

بازارچه مشاغل خانگی در زمین ورزشی روباز ابتدای خیابان دستغیب، چشم به راه مشتری است

دوسر بُرد فروشند و مشتری

عیدگاه

● اطلاع رسانی، حلقه مفقوده

زینب موسوی تولیدکننده آثار تزئینی باصدف است. محصولات او شامل وسایل دکوری مثل صندوقچه، آینه و... است. او هشت سال است که در این حوزه فعالیت می کند. اما این روزها از فروش کم گلایه دارد و می گوید: بازارها باید در نقاط زائریزیر برگزار شوند؛ مثلاً اطراف حرم، سد چالیدره یا کنار بازار فردوسی مکان های مناسبی هستند، به خصوص در تابستان که تعداد زائر زیاد است. طوبی حقدادی که با دست، کیف های چرمی می دوزد، صحبت های همکارش را تأیید می کند و از نبود اطلاع رسانی بموقع گلایه دارد و می گوید: بازارهای محلی خیلی خوب است و تولیدکنندگان نیاز ندارند مسیر زیادی را برای رسیدن به بازار طی کنند؛ اما بزرگ ترین مشکلش، نبود اطلاع رسانی بموقع و گسترده است.

● بازاری برای رونق محله

مدیر پروژه بهسازی و سامان دهی آبکوه، هدف این بازار را رونق اقتصاد محله محوری می داند و می گوید: اگر ظرفیت های محلی در حوزه اقتصادی تقویت شود، ساکنان انگیزه بیشتری برای ماندن در محله دارند. اصالت اینجا با ساکنانش معنا می گیرد و حفظ آن، نیازمند حمایت از تولیدکنندگان بومی است. این بازارچه به ویژه برای بانوان سرپرست خانوار فرصتی ارزشمند است. امیر حیدرپور طرقی ادامه می دهد: امید است این فضاها با ثبات، تبلیغات و حمایت کافی، بتوانند سهمی پایدار در اقتصاد خانوارهای محلی داشته باشند؛ زیرا پشت هر غرفه، داستانی از تلاش و امید در جریان است.

در حوزه صنایع دستی فعالیت دارند. محبوبه اورامن یکی از آن هاست. او سال هاست در زمینه تولید زیورات با سنگ های طبیعی کار می کند. می گوید: هزینه زندگی ام از همین بازارچه ها تأمین می شود. هشت سالی می شود که از همین طریق محصولاتم را می فروشم و تجربه به من آموخته که هر چه تبلیغات بیشتر باشد، فروش هم بیشتر است. قیمت غرفه ها مناسب است و ما هم می توانیم محصولاتمان را با قیمت بهتری عرضه کنیم؛ اما این بازار برای جذب مخاطب نیاز به معرفی بیشتری دارد.

● کیفیت، راز ماندگاری

در گوشه ای از بازار، غرفه ای پر از میوه و سبزیجات خشک شده، کشک و لواشک های محلی به چشم می خورد. محسن سالاری که به همراه دوازده بانوی سرپرست خانوار این محصولات را تولید می کند، درباره فرایند تولید می گوید: بخشی از محصولات به روش سنتی خشک می شود و بخشی هم با دستگاه. کیفیت برای ما مهم است. معتقدیم مشتری با یک بار خرید، باید برای خرید دوباره برگردد. او با ابراز رضایت از فضای بازار می افزاید: موقعیت مکان خوب است، اما چون کمی از پیاده رو فاصله دارد، مخاطب زیادی به اینجا مراجعه نمی کند. نصب بنرهای بزرگ در سطح محلات منطقه به فروش ما کمک بسیار می کند.

صدرازمین ورزشی ابتدای خیابان آیت... دستغیب این روزها میزبان بازارچه صنایع دستی و مشاغل خانگی است. این بازار با مشارکت سازمان عمران و بازآفرینی دفتر توسعه محله آبکوه، کلاهدوز و سعادآباد همچنین معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه یک از ۱۰ مرداد تا ۱۰ شهریور هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۱۰ شب به مدت یک ماه برپاست. این بازارچه کوچک، فرصتی است برای دیده شدن کارآفرینانی که با سرمایه اندک، اما با مهارتی بزرگ، در حال ساختن آینده ای روشن اند.

● نیاز به تبلیغات بیشتر داریم

پانزده غرفه دورتادور زمین ورزشی برپاشده است. بیشتر غرفه های این بازار در اختیار بانوان سرپرست خانوار یا بانوانی است که



یسنا فیروزی، خبرنگار کوچک محله نوده
برای گزارش هایش با چالش هایی روبه روست

ثابت می کنم می توانم

امید محله

داشتم. همیشه معلم ها از ما سؤال می پرسیدند، این بار من باید از معلم های مدرسه سؤال می پرسیدم. با خودم تکرار می کردم که «یسناقوی باش، تو می توانی».

● از مصاحبه هایی که در این مدت انجام داده ای، خاطره ای هم داری؟

با آدم های مختلفی تا حالا گفت و گو کرده ام. مدیران آموزش و پرورش تبادکان، حجت الاسلام پژمانفر نماینده مجلس و... اما مصاحبه آقای ابوذر روحی (خواننده آهنگ سلام فرمانده) برایم به یادماندنی شد. ایشان به مشهد آمده بودند. برنامه شان که تمام شد، اجازه ندادند مصاحبه کنیم. من از لایه لای جمعیت رد شدم و رفتم کنارش و گفتم می خواهم مصاحبه بگیرم. خوشبختانه گفت و گو

حمیده صفائی در دنیایی که گاهی بزرگ ها به راحتی از رویاهایشان دست می کشند، داستان یسنا فیروزی دختر ده ساله پراثری، یادآور این موضوع است که علاقه و پشتکار می تواند سن و سال را به کلی محو کند. او از هشت سالگی، زمانی که بیشتر هم سن و سالانش سرگرم بازی و تفریح بودند، عاشق دنیای خبرنگاری شد. این عشق نه تنها یک رؤیای کودکانه نبود، بلکه با تلاش و پیگیری هایش به واقعیت تبدیل شد و او توانست فعالیت خود را در خبرگزاری پانا آغاز کند. او با همان روحیه جست و جوگری و تلاشش، کمربند قهوه ای کاراته رانیز به دست آورده است و در کلاس های فن بیان هم شرکت می کند تا در آینده بتواند مجری توانمندی باشد. این ساکن محله نوده می خواهد صدای رسا و تأثیرگذاری برای جامعه اش باشد.

● کجا با فضای خبر و خبرنگاری آشنا شدی؟

کلاس دوم ابتدایی متوجه شدم یکی از بچه های مدرسه به عنوان خبرنگار فعالیت می کند. خیلی از کارش خوشم آمد. با پیگیری هایی که انجام دادم، عضو خبرگزاری پانا شدم و فعالیتم را آغاز کردم.

● اولین کار خبری ات را به خاطر داری؟

روز معلم بود و باید به کلاس هامی رفتیم و با معلم های مدرسه درباره شغلشان گفت و گومی کردیم. استرس



را هم گرفتم. آقای محسن میرزاده (خواننده سرشناس سنتی) هم که آمده بود، همین طور شد. از بین جمعیت رد شدم. رفتم مصاحبه گرفتم. این هم از مزیت های کوچک بودن است.

● کار خبر همیشه چالش هایی دارد. در این مدت با چالشی مواجه شدی؟

خیلی ها مخالف کار من هستند و به من اعتماد ندارند. اما تلاش می کنم که در هر موقعیتی مصاحبه ام را بگیرم. مثلاً در محله خودمان خیلی هابه من می گویند: تو بچه ای، این کارها در حد تو نیست، «مهم برایم مهم نیست که همه بگویند، سنت کم است دختر جان!» مهم این است که عمر من محدود است و باید موفق باشم. اجازه بدهید همین جاز معلم های عزیزم خانم ها عابدی و باوندی و خانواده ام قدردانی کنم که همیشه کمکم می کنند.

● به جز خبرنگاری چه فعالیت هایی انجام می دهی؟

دوست دارم خبرنگار صدا و سیما شوم؛ به همین دلیل بیش از یک سال است که در کلاس های فن بیان شرکت می کنم. الگوی من افرادی مانند خانم سحر امامی هستند؛ می خواهم صدایی رسا داشته باشم، بی پروا حقایق را بگویم. علاوه بر این، سلامتی و ورزش جایگاه ویژه ای در زندگی ام دارد. من کمربند قهوه ای کاراته دارم و در پنج سال فعالیت ورزشی ام، موفق به کسب مدال های متعددی شده ام.

● یسنا بین فیلم، کتاب و ورزش کدام را انتخاب می کند؟

به طور حتم کتاب. روزی دو ساعت کتاب می خوانم که بیشتر آن رمان است. فکر می کنم اگر قرار باشد خبرنگار موفق باشم، باید دایره واژگانم زیاد و گسترده باشد.